

موضوع	مخاطب	عنوان و شماره درس	معلم
درک معنویت	عام	۲- خوشبختی چیست؟	ابراهیم فیروزی

## خوشبختی چگونه به دست می آید؟

انسانها در تمامی تاریخ کوشیده اند که راز خوشبختی را دریابند و برای نیل به این هدف راههای فراوانی را تجربه کرده اند . برخی از این راهها را از محیط دریافت نموده اند و برخی دیگر را خود ابداع نموده اند . با این وجود به نظر می آید هیچ کس تا به حال نتوانسته است به این سوال پردامنه پاسخی قاطعانه بدهد .

برخی نیز چون برای رسیدن به خوشبختی ای که به دنبالش هستند راه به جایی نبرده اند خود را با نسبی بودن خوشبختی قانع کرده اند . ما نیز در این مقاله با یکدیگر به دنبال خوشبختی خواهیم رفت اما از راهی که شاید تا به حال آن را امتحان نکرده اید و هیچ بعید نیست که این راه , یگانه راه یافتن راز خوشبختی است . چند سال پیش سخن زیبایی را در کتابی که به صورت زندگی نامه نوشته شده بود خواندم که بیشترین قسمت کتاب را فراموش کرده ام اما این جمله که میگوید (( نیاز نیست همه چیز را تجربه کرد بلکه باهوش کسی است که از تجارب دیگران استفاده نماید )) را در خاطر دارم . در ادامه نگاهی به تجارب سلیمان پیامبر می اندازیم واز تجارب شخصی که ملکه سبا از شنیدن حشمتش به ملاقات او آمد مطلب را پی میگیریم .

زمانی که برای اولین بار بدون آشنایی قبلی با کتاب مقدس , کتاب جامعه را میخوانیم ابهاماتی در مورد مطالب این کتاب به وجود می آید چون در آن با جملاتی از این دست که ( همه چیز باطل است ) بسیار مواجه میشویم . در این کتاب میخوانیم که چگونه سلیمان در پی یافتن این سوال بود که تلاش آدمی در دنیا چه چیز را عایدش میکند؟ درآیات ۱۷ و ۱۸ از باب اول چنین میخوانیم :

(( و دل خود را بر دانستن حکمت و جهالت مشغول ساختم . پس فهمیدم که این نیز در پی باد زحمت کشیدن است زیرا که در کثرت حکمت , کثرت غم است و هرکه علم را بیافزاید , حزن را می افزاید ))

در زمان حاضر از دید جوانان , ورود به دانشگاه و داشتن تحصیلات عالیه یکی از راههای رسیدن به خوشبختیست . آنقدر که با رد شدن در کنکور بی انگیزه و افسرده میشوند گویی دنیا به پایان رسیده است ! کار برد تجربه سلیمان در زندگی امروز میتواند این حقیقت را روشن سازد که قبولی در دانشگاه و داشتن تحصیلات بالا نمیتواند به خودی خود خوشبخت شدن کسی را تضمین کند . البته در دنیای کنونی ما که مدرک گرایی را میتوان به خوبی در آن مشاهده نمود داشتن مدرک عالیه بسیار خوب و عالیست اما اگر شخصی نیز به هر دلیل از تحصیلات عالیه باز مانده است چه زیباست که از تجربه عملی سلیمان پیامبر سرمشق گیرد و ذهن خود را با افکار منفی مسموم نسازد.

سلیمان وقتی خوشبختی را در داشتن مدرک از دانشگاه " هاروارد " پیدا نمود راه دیگری را در پیش گرفت و در باب ۲ آیه ۱ چنین میخوانیم که :

(( من در دل خود گفتم الان بیا تا تو را به عیش و عشرت بیازمایم , پس سعادت‌مندی را ملاحظه نما و اینک آن نیز باطل بود ))

ای دوست جوان , زمانیکه حس خستگی و تشویش داری و فریاد بر می آوری که ( کلافه ام ! ) چه کار میکنی؟ آیا به جمع هم سالان میپیوندی و به خوش گزرائیهای خطر ناک میپردازی تا به قول بچه ها! از ملال دنیا دور باشی؟ میبینیم که سلیمان میگساری و شرکت در پارتیها را هم تجربه کرد اما میبینید که چیز مفیدی حاصل نمود . در ادامه این سفر تحقیقاتی اش به سراغ پول می‌رود.

در زمان کنونی جوانان توجه فوق العاده ای به ثروت دارند و به راههای پولدار شدن می اندیشند . افراد سودجو نیز از فرصت استفاده کرده و کتابها و لوحهای فشرده ای در این زمینه وارد بازار نموده اند . از آنجایی که شخصا علاقه ای به مطالعه چنین کتابهایی نداشته ام و آنها را نخوانده ام بهتر میدانم انتقادی نیز از آنها ننمایم اما در ادامه در میابیم که آیا از این راه میتوان به خوشبختی رسید یا نه؟

سلیمان در باب ۲ از آیه ۴ تا آیه ۱۰ توضیح میدهد که چگونه به جمع آوری ثروت و ساختن ویلاها در کنار ساحل دریا و ازدواج با خانومهای زیبا و جوان پرداخت . لیکن در آیه ۱۱ چنین میگوید :

(( پس به تمامی کارهایی که دستهایم کرده بود و به مشقتی که در عمل نمودن کشیده بودم نگرستم و اینک تمامی آن بطلالت و در پی باد زحمت کشیدن بود و در زیر آفتاب هیچ منفعت نبود ))

دوست عزیزم, سلیمان ثروت اندوزی و ارتباط با جنس مخالف را نیز امتحان کرد و نتوانست خوشی را در آن بیابد. آیا فکر میکنی میتوانی از سلیمان فراتر روی ؟

سلیمان تئوری دیگری را در پیش میگیرد . او در مورد پست و مقام اجتماعی نیز در باب ۲ آیات ۱۲ تا ۱۶ تفکر نمود, به نظر می آید این یکی دیگر خودش باشد!!! در نگاه اول شاید بتوان گفت وقتی دارای وجهه اجتماعی بالایی باشی در این صورت در همه محافل سرزبانهایی و تو را به سبب تواناییهایی که در انجام امور روزانه داری احترام مینمایند ولی دوست عزیزم تجربه سلیمان پیامبر خلاف این را نشان میدهد .

امیدوارم تا اینجا خسته و ناامید از یافتن خوشبختی نشده باشید چون این بررسی , مقدمه ای بود که دریابیم آیا تلاشها و راههایی که دنیا برای خوشبختی معرفی میکند آیا واقعا اثر بخش هست یا نه , که پرواضح است که نمیتوان از این راهها خوشبختی را حصول نمود.

کتاب جامعه تصویری از زندگی افرادی که در دنیا تقلا میزنند را به ما نشان میدهد و چنین افرادی را به راحتی میتوانیم در اطراف خود ببینیم و بعد از صحبت و یا با دیدن زندگی روزمره آنها ( البته زندگی درونی شان نه ظاهری که برای خود ساخته اند ) درمیابیم که تلاش انسان " باطل اباطیل است " .

انسانی که خود را محور امور زندگی خود قرار میدهد هیچگاه نمیتواند به هدفش برسد و کتاب جامعه تعلیم میدهد که زندگی ای که خدا در مرکزیت آن نباشد بی هدف و باطل است بدون او هیچ چیز باعث خشنودی و رضایت واقعی نمیکردد .

## جامعه باب ۲ آیه ۲۵

(( زیرا کیست که بتواند بدون او بخورد یا تمتع برد؟ ))

دوست عزیز, سلیمان ختم کلام را بعد از امتحان نمودن راههای مختلف و تجربه اندوزی اش چنین اعلام میکند :

((... و علاوه بر اینها ای پسر من پندگیر, ساختن کتابهای بسیار انتها ندارد و مطالعه زیاد, تعب بدن است پس ختم تمام امر را بشنویم, از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است زیرا خدا هر عمارا با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد باشد, به محاکمه خواهد آورد. جامعه باب ۱۲ آیات ۱۲-۱۴))

[Iraninhandjesus@aol.com](mailto:Iraninhandjesus@aol.com)